

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب

محمد رضا سلمانی بی‌شک*^۱، زهرا کریمی^۲، اولدوز معصومی^۳، فرانک باستان^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

چکیده

در طی دهه‌های اخیر، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد جهانی بیشتر نمایان شده است و تأثیر آن روی سایر مولفه‌ها از جمله نهادها مورد توجه قرار گرفته است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی شکاف نهادی ایران و کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۷ می‌باشد. بدین منظور از روش داده‌های تابلویی و رهیافت حداقل مربعات تعمیم یافته برای کشورهای منتخب استفاده شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معنی‌دار و منفی بر شکاف نهادی دارد. متغیر جمعیت در کشور میزبان (ایران) تأثیر معنی‌دار و منفی بر شکاف نهادی دارد ولی متغیر جمعیت در کشورهای منتخب تأثیر بی‌معنی و مثبت بر شکاف نهادی دارد. متغیر رشد اقتصادی در کشور میزبان (ایران) تأثیر منفی و غیرمعنی‌دار و در کشورهای منتخب تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شکاف نهادی دارد و متغیر فاصله جغرافیایی تأثیر معنی‌دار و مثبت بر شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ شکاف نهادی؛ رشد اقتصادی؛ عدم اطمینان

طبقه‌بندی JEL: F21, D73, G32

^۱ . استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول، ایمیل: Mrsalmani_2005@yahoo.com)

^۲ . دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳ . کارشناسی ارشد علوم اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۴ . دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکاپوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً در دو قالب، سرمایه‌گذاری سهامدارانه خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ صورت می‌گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تأثیر مثبت در تراز پرداختها دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشورهای میزبان به طرق مختلف و در ابعاد گوناگون تأثیر گذارد که این مسئله از نظر دولتهای میزبان دارای اهمیت است. طیف این متغیرها، بسیار گسترده می‌باشد مانند تأثیر بر اشتغال، تجارت، ترازپرداختها، ساختار صنعتی، تحرک اجتماعی و سیاسی که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگی‌های خاص خود است.

با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در رشد و توسعه بسیاری از کشورها، همواره تأثیر بسیاری از متغیرها روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی متغیرهای دیگر در مطالعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است، اما در این راستا از جمله عواملی که تا به امروز کمتر مورد توجه قرار گرفته عوامل نهادی است. توجه به اقتصاد سیاسی و پیوند آن با نهادهای حاکمیتی متغیری است که داگلاس نورث و جرالدمیر^۲ (۱۹۹۴) در مسیر رسیدن به توسعه اقتصادی همیشه از آن به عنوان متغیری فراموش شده یاد می‌کنند.

نهاد^۳ مفهوم گسترده‌ای دارد که به اشکال مختلف تعریف شده است. اما متأسفانه تعریف روشن و قابل سنجشی که در مورد آن اجماع شده باشد وجود ندارد. اگر طیف وسیعی از تعریف نهادها را که در متون سیاسی و اقتصادی فعلی وجود دارد در نظر بگیریم از یک سوی نهادها به عنوان قاعده بازی در جامعه هستند و تعریف نورث از نهاد که جامع‌ترین استقرار را داشته و بیان می‌کند که نهادها، قوانین بازی در جامعه‌اند. یا به عبارت سنجیده‌تر، قیود وضع شده از جانب بشر هستند که روابط متقابل انسانها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها، باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشری می‌شوند. در یک تعبیر کلی نهاد مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه‌ی عقلانی یا غیرعقلانی)، سنتها، قواعد و

^۱. Foreign Direct Investment

^۲. Douglass North and Gerald Meyer

^۳. Institution

مقررات است که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را تشکیل می‌دهند. از این لحاظ نهادهای خوب به عنوان یک ایجادکننده ساختار انگیزشی مطرح می‌شوند که باعث کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و کمک به بهبود عملکرد اقتصادی خواهند شد (عیسی زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸). از نخستین مشکلاتی که در ارزیابی نهادها وجود دارد این است که اندازه‌گیری و تعریف نهادها به شکل ساده و قابل فهم نیست و تعریف خاصی می‌تواند نتایج خاصی را به دنبال داشته باشد که در این مطالعه برای اندازه‌گیری از شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری^۱ ICRG استفاده شده است. این شاخص، از ۳۵ سال پیش با هدف ارائه اطلاعات جامع و روزآمد از وضعیت مخاطرات سیاسی- اقتصادی کشورها برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی تهیه می‌شود که ترکیبی از سه زیرشاخص ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی است. این شاخص در مقایسه با شاخص‌های دیگر کیفیت نهادی، دارای دو ویژگی است. نخست این که تفاوت‌های بین کشوری را بهتر نشان می‌دهد و دوم اینکه از سال ۱۹۸۴ برای اکثر کشورها گزارش شده است. این شاخص برای ایران در دهه‌های مختلف به صورت ریسک بالا (حدود دهه ۶۰ شمسی) تا ریسک پایین و متوسط (حدود دهه ۷۰ تا ۸۰ شمسی) در نوسان بوده است. از آن جایی که در ادبیات اقتصادی جدید، نقش کیفیت نهادها در توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، نحوه توزیع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز چگونگی جذب و تأثیر آن روی اقتصاد کشورها می‌تواند بر کیفیت نهادها و شرایط اقتصادی، سیاسی و موقعیت کشور میزبان اثرگذار باشد. در این راستا این تحقیق به بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جاری بر شکاف توسعه نهادی میان ایران و مهمترین سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی ایران از قبیل: آلمان، ایتالیا، ترکیه، چین، سوئد، فرانسه و لوکزامبورگ طی دوره‌ی ۲۰۱۷-۲۰۰۱ می‌پردازد. انتخاب کشورهای مذکور به دلیل سرمایه‌گذاری این کشورها در ایران است.

مبانی نظری

جریان تامین و ورود منابع مالی به اقتصاد ملی به دو شکل عمده صورت می‌پذیرد: سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی که بیشتر توسط شرکت‌های بزرگ و نیز کمک‌های توسعه‌ای دولتی که از طریق یک دولت و یا از طریق موسسات کمک‌کننده انجام می‌شود، شکل می‌گیرد. منظور از سرمایه‌گذاری خارجی تولید فرآورده‌هایی است که بتوانیم آن را در بازار عرضه کنیم، یعنی تولید کالایی که برای بنگاه‌هایی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند تولید درآمد کنند. البته شایان ذکر است که این سرمایه‌گذاری می‌تواند به صورت مشترک انجام بگیرد یا اینکه به

^۱. International Country Risk Guide

طور کامل در اختیار بنگاههای خارجی باشد. بسته به نوع سرمایه‌گذاری، پیامدها و خروجی که بنگاهها و سازمانها دارند متفاوت خواهد بود (حسینی و مولایی، ۱۳۸۵).

سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً در دو قالب صورت می‌پذیرد:

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

- سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی^۱

سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) که کشور یا سرمایه‌گذار خارجی مستقیماً و یا با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌کند و سرمایه‌گذاری غیر مستقیم (FPI) که معمولاً از طریق خرید سهام و اوراق قرضه در بورس توسط سرمایه‌گذاران خارجی صورت می‌گیرد (ابزری و تیموری، ۱۳۸۶).

در مجموع می‌توان اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشور میزبان را در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

۱- آثار اقتصادی: در بخشهایی همچون صنعت، کشاورزی، خدمات و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- آثار سیاسی: در حوزه استقلال و حاکمیت ملی قابل بررسی است.

۳- آثار اجتماعی: در مورد مسائلی همچون حضور روشنفکران و برگزیدگان خارجی در کشور میزبان می‌باشد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱).

به بیان دیگر اگر سرمایه خارجی را به سه منبع یعنی سرمایه ملی، سرمایه فیزیکی و سرمایه غیر ملموس، در نظر بگیریم و بخواهیم به طور مجزا به آن بپردازیم خواهیم دید که از نظر ملی سرمایه‌گذاری بر جامعه تأثیر مثبت دارد و سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی را افزایش خواهد داد. از نظر فیزیکی هم تعداد کالاهایی که صادر می‌شود باعث افزایش سرمایه خارجی خواهد شد. البته شایان ذکر است گاهی اوقات جذب سرمایه‌گذاری برای بازارهای داخلی به تنهایی مقرون به صرفه نمی‌باشد و حتماً باید دارای نشان باشد تا بتوان آنها را صادر کرد و بازاری برایشان پیدا نمود. البته در نظام اداری نیز باید تغییراتی انجام دهیم و زیر بنای مناسبی باید در نظر بگیریم و دیگر آنکه باید شرکای مناسب داخلی در اختیار داشته باشیم (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱).

پس از ناتوانی تئوری‌های رشد اقتصادی در تبیین رشد اقتصادی پایین و ناپایدار کشورهای فقیر و نیز گسترش نابرابری در سطح جهانی موج چهارم از تئوری‌های رشد در اقتصاد شکل گرفت که به مدل‌های نهادی و اقتصاد سیاسی از رشد معروف گشتند (اسنودان و وان، ۲۰۰۵). به عقیده اقتصاددانان نهادگرا

^۱. Foreign Portfolio Investment

^۲. Snowdon and Vane

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب^۱

(نورث، ۱۹۹۰)، تفاوت کشورها در سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی (که در سه رویکرد اول از تئوری‌های رشد بر آن تاکید می‌شود) عوامل مستقیم و سطحی^۱ تعیین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی می‌باشند و نهادها عامل عمیق یا بنیادین تعیین‌کننده رشد و توسعه جوامع هستند. بر این اساس تنها با شناخت این عوامل بنیادین است که می‌توان چارچوبی را برای ارائه توصیه‌های سیاستی طراحی نمود که این چارچوب‌ها فراتر از توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی، همانند پیشنهاد بهبود تکنولوژی در یک کشور می‌باشد و به واسطه آن می‌توان خطر نتایج منفی ناخواسته بالقوه این سیاست‌ها را به حداقل ممکن رساند (نورث، ۱۹۹۰).

در خصوص آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشورها نظرات متفاوتی ارائه شده است. در یک دسته بندی کلی موافقان دلایل خود را مبنی بر منافع ناشی از جلب FDI به این شرح بیان می‌کنند: ورود حجم مناسب سرمایه به کشور، کاهش تورم، افزایش کسب‌وکارهای اقتصادی، انتقال دانش نه تنها در فرایند تولید بلکه در حمایت از تولید و توزیع آن، آشنایی مدیران دولتی و خصوصی با تکنیک تکنولوژی‌های مدیریتی، ایجاد مشاغل جدید با ورود سرمایه‌های جدید و افزایش اشتغال، بهبود ترازپرداخت به طوری که با FDI صادرات ناشی از تولید افزایش یافته و موجب تقویت جهت‌گیری صادراتی در کشور می‌گردد، افزایش در رقابت و بهبود کیفیت و کمیت کالا و خدمات، گسترش بازار سرمایه ارز از طریق گسترش معاملات و بهبود وضعیت مالی شرکت‌ها از طریق افزایش حجم معاملات و کمک به زیرساخت‌سازی در بخش‌های مختلف. در مخالفت با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز دلایلی ذکر می‌شود. مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی علیرغم تأمین سرمایه در بلندمدت با ایجاد حالت انحصاری، ممانعت از رقابت، عملاً موجب کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور در حال توسعه می‌شود. زیرا بخش اعظم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به جای سرمایه‌گذاری مجدد در آن کشور از کشور خارج می‌شود. به علاوه، درآمد این سرمایه‌گذاری‌ها عاید گروه‌هایی می‌شود که میل به پس‌انداز کمتری دارند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به جای افزایش سرمایه‌گذاری موجب نقصان آن و با افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. دیگر دلیل مخالفان با سرمایه‌گذاری خارجی دو قطبی شدن اقتصاد است. به این معنا که این سرمایه‌گذاری‌ها موجب این امر می‌گردد که تعداد محدودی از شاغلان در بخش‌های مدرن اقتصاد مشغول به کار می‌گردند و از عایدی نسبتاً خوبی برخوردار می‌گردند، در نتیجه اختلاف میان دریافتی آنان با سایر شاغلان افزایش می‌یابد. در اثر سرمایه‌گذاری خارجی، منابع محدود تولید از نیازهای اساسی به سمت تولید محصولات لوکس و مدرن که تنها نیاز گروه خاصی را برطرف می‌سازند منحرف می‌شود، به ویژه آنکه گرایش این سرمایه‌گذاری‌ها به مناطق

¹. Proximate

شهری است و از این لحاظ فاصله مناطق شهری و روستایی نیز افزایش می‌یابد. عده‌ای دیگر براین باورند FDI ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه را تخریب نموده و نارسایی‌ها و تضادهای ذاتی را به این کشورها منتقل می‌کند. این واقعیت لزوم بومی‌سازی علم و فناوری را در کاربرد این علوم در کشورهای در حال توسعه گوشزد می‌نماید (آقامحمدزاده، ۱۳۹۲).

نئوکلاسیک‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی را به واسطه خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، حذف مقررات زاید دولتی و انحرافات قیمتی به عنوان یک عامل مثبت در تقویت بازارهای کشور میزبان تلقی می‌کنند و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی پیشرفته و مدیریت کارآمد میدانند که منجر به افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. مطابق نظریه نئوکلاسیک‌ها تنها وظیفه دولت در این رابطه ایجاد شرايطی است که سرمایه خارجی با آسودگی در کشور واردکننده سرمایه، جلب و حفاظت شود. بنابر نظریه طرفداران آزادی جریان سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث انتقال دانش فنی، توسعه منابع انسانی، اشاعه مهارت‌های مدیریت و گسترش تجارت خارجی بویژه دستیابی به بازارهای جدید صادراتی می‌گردد و بهره‌وری را در اقتصاد افزایش می‌دهد. انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه در محل، تنوع بخشیدن به ترکیب صادرات کشور میزبان، رقابت بین دانش فنی جدید و موجود و ارتقا بهره‌وری عوامل تولید از دیگر آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد (لشکری و همکاران، ۱۳۹۱).

از نخستین مشکلاتی که در ارزیابی نهادها وجود دارد، این است که اندازه‌گیری نهادها به شکل ساده و قابل فهم نیست و تعریف خاصی می‌تواند نتایج خاصی را به دنبال داشته باشد. در عمل، حداقل سه رویکرد اصلی برای سنجش و مقایسه نهادها بین کشورها وجود دارد:

رویکرد نخست، بررسی براساس پرسش‌هایی از سرمایه‌گذاران (اغلب بین‌المللی) است. این پرسش‌ها موضوعاتی مانند ریسک مصادره سرمایه‌ها توسط دولت، فساد و خطر رد قراردادهای از سوی دولت را بیان می‌کنند. پایگاه داده راهنمای ریسک کشوری در سطح بین‌المللی (ICRG) به این طریق جمع‌آوری شده است.

رویکرد دوم، بر کارآمدی حکومت متمرکز شده و نهادهایی که قدرت در یک کشور از مجرای آنها اعمال می‌شود با عنوان نهادهای حاکمیتی مورد بحث قرار می‌گیرند. پژوهشگران بانک جهانی تلاش کرده‌اند تا یافته‌های موسساتی چون EIU, Freedom House, Heritage Foundation را در مورد شاخص‌های پیشنهادی آنها برای تفسیر وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی با عنوان شاخص‌های حکمرانی ترکیبی معرفی کنند.

رویکرد سوم تلاش می‌نماید بیشتر روی نهادهای پایدار تمرکز داشته باشد. به دنبال این رویکرد، محدودیت‌های سیاسی ویژه توسط تعدادی از روش‌ها اندازه‌گیری شده‌اند. برای نمونه، شاخص دموکراسی

بیانگر وجود نهادها و روش‌هایی است که به واسطه آن شهروندان می‌توانند دیدگاه‌های مستقل خود را در مورد سیاست‌ها و سیاستمداران مختلف اظهار کنند. همچنین محدودیت‌ها در مورد اینکه مجریان قانون چگونه می‌توانند قدرتشان را اعمال کنند و تضمین آزادی‌های مدنی برای تمام شهروندان در زندگی روزمره و فعالیت‌های سیاسی که پایگاه داده Freedom House, Polity IV از این جمله‌اند (لانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

معیار استفاده شده در این تحقیق بر اساس رویکرد نخست خواهد بود. شاخص ICRG ترکیبی از سه شاخص ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی است و شامل ۲۲ متغیر در سه زیر گروه ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی است. شاخص ریسک سیاسی بر اساس ۱۰۰ امتیاز و ریسک مالی و اقتصادی بر مبنای ۵۰ طراحی شده‌اند. امتیاز این دو شاخص بر دو تقسیم می‌شود تا وزن آنها در شاخص ریسک مرکب بدست آید. این شاخص یکی از پرکاربردترین شاخص‌ها در مطالعات تجربی کیفیت نهادی است.

مطالعات پیشین

می‌توان بیان داشت که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت نهادها در کشورهای میزبان را به صورت مثبت و منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. شواهد رو به رشد نشان می‌دهد که تمایل کشورها به جهانی شدن روی کیفیت نهادی تأثیر دارد. برای مثال آزاد سازی با افزایش واردات و کاهش فساد همراه بوده است و باز بودن تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی دموکراسی تأثیر منفی داشته در حالی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت در کیفیت نهادها داشته است (بناگلیا و همکاران^۲، ۲۰۰۱).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است منجر به افزایش فسادهای اقتصادی همچون رشوه شود که بخش قابل توجهی از پرونده‌های فساد در FCPA شامل رشوه دادن مقامات یک کشور توسعه یافته با درآمد بالا به مقامات کشورهای در حال توسعه است. علاوه بر آن ممکن است منجر به استفاده نادرست از منابع طبیعی و فضای رقابتی ناسالم شود. در حالی که کوک و تادسی در سال ۲۰۰۶ گزارش کردند که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مجموع یک اثر منفی قابل توجهی در سطح فساد اقتصادی کشور میزبان داشته است (دمیر^۳، ۲۰۱۵). ورود بنگاه‌هایی که توسط خارجی‌ان سرمایه‌گذاری شده‌اند، می‌تواند باعث شود بنگاه‌ها روش‌های تولید و مدیریت خود را بهبود دهند و ساختار بندی مجدد نمایند. اگرچه ممکن است در کوتاه مدت رقابت شدید سبب شود بنگاه‌های داخلی به دلیل کاهش سهم بازاری و تولیدشان آسیب ببینند. بر اساس

¹. Long & et al

². Bonaglia & et al

³. Demir

نتایج مطالعات تجربی، کشورهای در حال توسعه می‌توانند از کانال جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی اقدام به کاهش شکاف نهادی نمایند. زیرا بنگاه‌های چند ملیتی وارد شده به اقتصادهای میزبان، به طور نسبی از نهادهای کارآتری نسبت به بنگاه‌های داخلی بهره‌مند هستند (اسپار^۱، ۱۹۹۰). علی و همکاران^۲ در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای با عنوان " سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حقوق مالکیت " به بررسی اثرات سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، از طریق بهبود کیفیت نهادی پرداخته‌اند و برای این منظور، ۷۰ کشور در حال توسعه بین سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ را از طریق تکنیک پانل بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که FDI یک تاثیر مثبت و مهمی روی حقوق مالکیت داشته است.

لانگ و همکاران^۳ در سال ۲۰۱۵ در مقاله‌ای به بررسی اثرات نهادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین پرداخته اند و در رابطه با بنگاه‌های اقتصادی در چین به این نتیجه دست یافتند که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به بهبود زیر ساخت های نهادی از طریق تقویت نظام مالیاتی و هزینه کمتر و پیروی بهتر از قانون سبب شده است.

دمیر^۴ در سال ۲۰۱۵ در مقاله‌ای با عنوان " تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی توسعه نهادی " اثرات دو جانبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر شکاف توسعه نهادی ۱۳۴ کشور را طی دوره ی ۱۹۹۰-۲۰۰۹ از طریق تکنیک پانل مورد بررسی قرار داده و برای جفت کشورهای مختلف، به نتایج متفاوتی رسیده است.

جانگمو و همکاران^۵ در سال ۲۰۱۶ در مقاله‌ای تحت عنوان " تاثیر شکاف نهادی بر جریان FDI : موسسات محیطی عمومی (GEI) در مقابل موسسات حمایت از سرمایه گذاران اقلیت (MIP) " فرض می‌کنند که سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به کشورهای دارای زیرساخت‌های سازمانی مناسب منتهی می‌شود. آن‌ها در مطالعه خود بین موسسات عمومی محیطی (GEI) که منافع اجتماعی را در مؤسسات بزرگ و مؤسسات حفاظت از سرمایه‌گذاران اقلیت (MIP) که منافع یک گروه خاص را ارتقا می‌دهند، تمایز قایل می‌شوند و استدلال می‌کنند که این نوع موسسات متفاوت در سرمایه‌گذاری های بین‌المللی تاثیر می‌گذارند. آن‌ها این فرضیه را با بررسی اثرات شکاف نهادی در فعالیتهای بین‌المللی M & A شرکت‌های آمریکایی طی سال های ۱۹۸۱-۲۰۰۸ بررسی نمودند. نتایج نشان داد که GEI بهتر در کشور میزبان منجر به جذب FDI می‌شود در حالی که MIP بهتر می‌تواند آن را نادیده بگیرد.

¹. Spar

². Ali & et al

³. Long & et al

⁴. Demir

⁵. Jongmoo & et al

گرایی نژاد و همکاران در سال ۱۳۹۳ در مطالعه خود تحت عنوان "تأثیر عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر متغیرهای نهادی و ساختاری" به بررسی تأثیرگذاری متغیرهای نهادی و ساختاری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با روش گشتاورهای تعمیم یافته و پانل پویا، با استفاده از داده‌های ۳۰ کشور جهان، طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۱ می‌پردازند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص حکمرانی خوب در تمامی مدل‌های آزمون شده اثر مثبت و معناداری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است، درحالی‌که آزادی اقتصادی اثر منفی و معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است.

اصغری و همکاران در سال ۱۳۹۵ در مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیر مولفه‌های نهادی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای منتخب اسلامی حوزه سند چشم‌انداز)" به بررسی تأثیر مولفه‌های نهادی از جمله آزادی اقتصادی، امنیت اقتصادی و شاخص حکمرانی و بر میزان جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ۱۸ کشور منتخب اسلامی در حوزه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ جهت دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی پایدار پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از اثر مثبت و معنادار تمامی متغیرهای نهادی معرفی شده بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب است.

روش پژوهش

باتوجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه، بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی سطح شکاف نهادی بین دو کشور است با استفاده از مطالعات مشابهی که علی و همکاران (۲۰۱۱)، لانگ و همکاران (۲۰۱۵) و دمیر (۲۰۱۵) در این زمینه انجام داده‌اند از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$Inst_{ijt} = \alpha_1 + \beta_1 FDI_{ijt-1} + \gamma * V_{ijt-1} + \varepsilon_{ijt} \quad (1)$$

که در آن:

$Inst_{ijt}$: شکاف نهادی بین دو کشور i و j در زمان t (منبع داده‌ها: پایگاه داده‌های The PRS Groupe)

FDI_{ijt-1} : جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور j به i در زمان $t - 1$ (منبع داده‌ها:

پایگاه داده‌های UNCTAD)

V_{ijt-1} : بردار متغیرهای کنترل است و شامل:

$GDPG_{jt-1}$ و $GDPG_{it-1}$: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در کشور i و j در زمان $t - 1$ (منبع داده‌ها:

پایگاه داده‌های WDI)

پایگاه داده‌های WDI) $Population_{it-1}$ و $Population_{jt-1}$: جمعیت کل در کشور i و j در زمان $t-1$ (منبع داده‌ها:

$Distance_{ij}$: فاصله بین دو کشور i و j (منبع داده‌ها: پایگاه داده‌های distancefromto)

که در متغیرهای بالا i شاخصی برای کشور میزبان که در این مطالعه ایران است، می‌باشد و j شاخصی برای سایر کشورهاست و t شاخصی برای دوره زمانی است. در این مدل انتظار می‌رود ضریب β_1 منفی باشد زیرا β_1 ضریب FDI می‌باشد و FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور j به کشور i را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود با افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شکاف نهادی بین دو کشور کاهش یابد. همچنین انتظار می‌رود ضریب $GDPG_i$ و $GDPG_j$ نیز منفی باشند یعنی با افزایش رشد اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها شکاف نهادی بین دو کشور کاهش یابد. در مورد ضریب $Population_i$ و $Population_j$ انتظار می‌رود که یا مثبت یا منفی باشد که افزایش جمعیت ممکن است موجب مشکل‌تر و پرهزینه‌تر شدن بهبود نهادها شود و ممکن است از طریق گروه‌های قومی و نژادی تأثیر منفی روی توسعه نهادی داشته باشد و از طرف دیگر سبب ایجاد انگیزه از طریق نوآوری و تغییرات فناوری باشد. همچنین انتظار داریم که ضریب $Distance_{ij}$ مثبت باشد یعنی با افزایش فاصله میان دو کشور شکاف نهادی میان دو کشور نیز افزایش یابد.

برای محاسبه شکاف نهادی میان دو کشور از رابطه‌ی زیر با استفاده از روش سینگ و کوت (۱۹۹۸) استفاده خواهد شد.

$$\text{شکاف نهادی} = \frac{1}{12} \sum_{d=1}^{12} \frac{(Inst_{dit} - Inst_{ajt})^2}{v_d} \quad (2)$$

اولین بار ناک و کیفر در سال ۱۹۹۸ تأثیر مولفه‌هایی از این شاخص را بر رشد بررسی کردند. آن‌ها مولفه‌هایی از شاخص ریسک سیاسی را انتخاب کردند و آن را مقیاس کیفیت نهادی نامیدند.

۱۲ مولفه ریسک سیاسی عبارتند از ثبات حکومت، شرایط اجتماعی-اقتصادی، ریسک مصادره و عدم برگشت سود سرمایه‌های خارجی، درگیری داخلی، درگیری خارجی، فساد، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی، حاکمیت نظم و قانون، تنش‌های نژادی، پاسخگویی حکومت در برابر مردم و کیفیت دیوانسالاری.

d اندازه‌ی شاخص را نشان می‌دهد و v_d واریانس d امین اندازه را نشان می‌دهد و $Inst_{dit}$ و $Inst_{ajt}$ شاخص کیفیت نهادی d را برای کشور i و کشور j در زمان t نشان می‌دهند.

تحلیل داده‌ها

آمار استنباطی به کار برده شده در این تحقیق، شامل آزمون همبستگی پیرسون، آزمون همجمعی جوهانسون، آزمون پایایی متغیرها، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن، آزمون ناهمسانی واریانس وایت، آزمون خودهمبستگی و در نهایت تخمین مدل اصلی می‌باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

آزمون همبستگی پیرسون

در ابتدا به بررسی همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به نتایج جدول ۱، متغیرهای مستقل و وابسته مدل‌های پژوهش همبستگی بسیار قوی با یکدیگر نداشته (آماره همبستگی‌ها پایین‌تر از $\pm 0/8$ است) و لذا مشکلی در تخمین مدل وجود ندارد.

جدول ۱: همبستگی پیرسون

متغیر	FDI	Lpopi	Lpopj	Gdpi	Gdpj	Dist
FDI	۱					
Lpopi	۰/۲	۱				
Lpopj	۰/۴	۰/۲۱	۱			
Gdpi	-۰/۱۷	-۰/۴۲	۰/۰۳	۱		
Gdpj	۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۰۳	۱	
Dist	۰/۱۸	-۰/۰۶۷	۰/۱۱	-۰/۰۶۴	۰/۲۷	۱

بررسی پایایی متغیرها

پیش از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، پایایی متغیرها باید بررسی شود. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به این منظور، از آزمون‌هایی نظیر لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین و آزمون دیکی فولر تعمیم یافته می‌توان استفاده نمود. به منظور انجام این تحلیل، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده می‌گردد.

جدول ۲: آزمون دیکی فولر تعمیم یافته

متغیرهای پژوهش	آماره کای دو	سطح معناداری	مانا در سطح
$Inst_{ijt}$	۲۵/۰۸	۰/۰۱	مانا در سطح
FDI_{ijt-1}	۴۲/۲۳	۰/۰۰	مانا در سطح
$Lpop_{it-1}$	۴۷/۷۱	۰/۰۱	مانا با یکبار تفاضل گیری
$Lpop_{jt-1}$	۳۲/۹۰	۰/۰۱	مانا در سطح
$GDPG_{it-1}$	۵۲/۶۴	۰/۰۰	مانا در سطح
$GDPG_{jt-1}$	۱۸/۰۳	۰/۰۲	مانا در سطح

با توجه به جدول شماره ۲، مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش کمتر از ۵ درصد است و بنابراین، همگی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی به جز جمعیت کشور ۱ در سطح پایا هستند.

آزمون همجمعی جوهانسون

بررسی وجود همجمعی در داده‌های ترکیبی بسیار مهم است. در صورتی که متغیرهای مدل ایستا نباشند برآورد مدل ممکن است به یک رگرسیون کاذب منجر شود. بنابراین در این حالت (حالتی که برخی متغیرهای مدل ایستا و برخی دیگر نایستا باشند) برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب قبل از برآورد مدل، آزمون‌های همجمعی انجام می‌گیرد تا پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، الگوی مورد نظر تخمین زده شود و نتایج آن به صورت زیر است.

جدول ۳: نتایج آزمون همجمعی جوهانسون

فرضیه صفر	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون جوهانسون
عدم وجود همجمعی	-۲/۱۹	۰/۰۱	فرض صفر رد می‌شود

باتوجه به آماره ADF و احتمال مربوط به آن می‌توان وجود همجمعی در مدل را پذیرفت. به بیانی دیگر فرضیه H_0 مدل که بیانگر عدم وجود همجمعی است رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل یک رابطه بلند مدت وجود دارد.

آزمون F لیمر

برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آماره F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه صفر بیانگر یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) و فرضیه مقابل نشان دهنده ناهمسانی عرض از مبدأها (داده‌های تابلویی) می‌باشد. در واقع برای استفاده از روش داده‌های پانلی باید همگن بودن یا نبودن مقاطع (کشورها) مشخص گردد، برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر در جدول نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون F لیمر

فرضیه صفر	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون F لیمر
استفاده از مدل داده‌های تلفیقی	۲/۰۸	۰/۰۴۶	فرض صفر رد می‌شود

نتیجه آزمون F لیمر، نشان می‌دهد که احتمال به دست آمده برای آماره F کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل، داده‌ها به صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی از آماره آزمون هاسمن که دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی متغیرهای توضیحی است استفاده می‌شود تا تعیین شود که باید از روش اثرات ثابت استفاده کنیم یا تصادفی. این آزمون در حقیقت آزمون فرضیه ناهمبسته بودن اثرات انفرادی و متغیرهای توضیحی است. در این آزمون فرضیات آزمون به صورت زیر هستند:

$$H_0 \cong b_s \cong B_s$$

$$H_1 \cong b_s \approx B_s$$

در صورتی که فرضیه H_0 رد نشود، روش اثرات تصادفی به روش اثرات ثابت ترجیح داده می‌شود، در غیر این صورت روش اثرات ثابت کاراست. نتایج حاصل از آزمون هاسمن در جدول نشان داده شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

فرضیه صفر	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون هاسمن
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۲/۳۳	۰/۳۱۱۹	فرض صفر رد نمی‌شود

سطح معناداری آزمون هاسمن بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا برای برآورد ضرایب مدل مذکور، باید از مدل اثرات تصادفی استفاده نمود.

سوالی که در مدل‌های پانل دیتا به طور وسیع مطرح می‌شود این است که از کدام مدل استفاده کنیم؟ به دلیل اینکه روش اثرات ثابت اجازه می‌دهد همبستگی بین اجزای غیرقابل مشاهده و متغیرهای توضیحی وجود داشته باشد در حالی که روش اثرات تصادفی اجازه وجود چنین همبستگی را نمی‌دهد. به نظر می‌رسد روش اثرات ثابت، بیشتر با برآورد در شرایط ثابت هماهنگی دارد. اما هنوز روش اثرات تصادفی در شرایط مشخص به کار برده می‌شود. اگر متغیر مستقل یا متغیرهای مستقل در طول زمان ثابت باشد^۱ قادر نخواهیم بود از روش FE برای تشخیص اثر این متغیر روی متغیر وابسته استفاده کنیم در مدل اثر ثابت اثر متغیرهایی که طی زمان یا مقاطع ثابت هستند از مدل حذف می‌شود. بنابراین در این حالت روش RE کارا تر خواهد بود که با آزمون هاسمن نیز این تأیید شد.

آزمون ناهمسانی واریانس

یکسان بودن واریانس جملات اجزای اخلاص در دوره‌های مختلف از جمله فروض کلاسیک می‌باشد که در صورت رد شدن مشکل ناهمسانی واریانس اجزا اخلاص با متغیر وابسته شده و باعث می‌شود با افزایش مقدار متغیر مستقل، واریانس پسماند که متغیر مستقل است، افزایش می‌یابد ولی این برخلاف فروض کلاسیک است که بیان می‌کند با کاهش یا افزایش متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته (پسماند) ثابت می‌ماند. نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس در جدول نشان داده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

فرضیه صفر	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون ناهمسانی واریانس
وجود ناهمسانی واریانس	۰/۴۶۳	۱/۱۲	فرض صفر رد نمی‌شود

^۱. Time invariant

باتوجه به نتایج بدست آمده در جدول ۶ مقدار ارزش احتمال آزمون ناهمسانی واریانس برابر با $1/12$ که بزرگتر از مقدار بحرانی آن یعنی $0/05$ می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس رد نمی‌شود و مدل ناهمسانی واریانس دارد.

آزمون خود همبستگی

در تحلیل رگرسیون بخصوص زمانی که متغیرها در طول یک فاصله زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند ممکن است تغییر داده‌ها در طول زمان از الگوی خاصی پیروی کند برای تشخیص این الگو از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود.

مفهوم مستقل بودن به این معنی است که نتیجه یک مشاهده تأثیری بر نتیجه مشاهدات دیگر نداشته باشد. در رگرسیون، بیشتر در مواقعی که رفتار متغیر وابسته در یک بازه زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد ممکن است با مشکل مستقل نبودن خطاها برخورد کنیم به این نوع ارتباط در داده‌ها خودهمبستگی می‌گویند. در صورت وجود خودهمبستگی در خطاها نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده کرد. برای بررسی این فرض به صورت شهودی می‌توان از نمودار کردن توالی متغیر studentized در spss استفاده کرد. اما راه مطمئن‌تر استفاده از آزمون دوربین واتسون می‌باشد. آماره دوربین واتسون بین 0 تا 4 می‌باشد. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به 2 نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی مثبت و اگر به 4 نزدیک باشد نشان دهنده همبستگی منفی می‌باشد. در مجموع اگر این آماره بین $1/5$ تا $2/5$ باشد جای هیچ نگرانی نیست و در تخمین مدل آماره دوربین واتسون برابر با $2/1$ است پس مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

تخمین مدل اصلی

با توجه به نتایج بدست آمده باید از روش اثرات تصادفی برای تخمین داده‌های تابلویی مورد مطالعه استفاده کرد. با توجه به نتایج بدست آمده و وجود ناهمسانی واریانس در برآورد مدل روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته لحاظ شده و نتایج حاصل از برآورد مدل اصلی نشان داده شده است:

جدول ۷: نتایج تخمین مدل

متغیر مستقل	ضرایب	انحراف معیار	آماره	ارزش احتمال
FDI_{ijt-1}	-۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۲۷	-۲/۸۹۲۲	۰/۰۰۰
$Lpop_{it-1}$	-۸/۳۷	۱/۲۴	-۶/۷۲	۰/۰۰۰
$Lpop_{jt-1}$	۰/۰۰۴۴	۰/۰۱۴	۰/۳۱۰	۰/۷۵۷
$GDPG_{it-1}$	-۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۹	-۰/۴۷۱۳	۰/۶۳۸
$GDPG_{jt-1}$	۰/۰۴۶۶	۰/۰۰۶۵	۷/۱۲۰	۰/۰۰۰
$Ldist_{ij}$	۰/۲۴۸۶	۰/۰۷۳۷	۳/۳۷۰	۰/۰۰۰

همانطور که مشاهده می‌شود متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معنی‌دار و منفی بر شکاف نهادی دارد. متغیر جمعیت در کشور میزبان (ایران) تأثیر معنی‌دار و منفی بر شکاف نهادی دارد ولی متغیر جمعیت در کشورهای منتخب تأثیر مثبت و بی‌معنی بر شکاف نهادی دارد. متغیر رشد اقتصادی در کشور میزبان (ایران) تأثیر منفی و غیر معنی‌دار و در کشورهای منتخب تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شکاف نهادی دارد و متغیر فاصله جغرافیایی تأثیر معنی‌دار و مثبت بر شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

طی دوره مورد مطالعه، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای منتخب به ایران، شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب را کم کرده است. زیرا ورود سرمایه به کشور، دولت را به تعامل با سایر بازیگران اقتصادی در سطح ملی و فراملی وادار می‌نماید. کشورهای در حال توسعه مانند ایران معمولاً برای سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه، بر راهبردهای توسعه بخشی تأکید دارند. در چنین شرایطی وجود محرک‌های بیرونی مانند معاهده‌های بین‌المللی و حضور شرکت‌های خارجی صادرات محور، برای تأمین واکنش‌هایی که منجر به توسعه پیوندها و تحولی مثبت در روابط عقب مانده می‌شود مانند کاتالیزور عمل می‌کند. بدین معنی که مجرای برای ورود دانش و فناوری به کشور میزبان بوده و به دلیل ارتباط متقابل بین نهادها، می‌توانند حرکت به سوی وضعیتی جدید مبتنی بر سطح آموزش و مهارت را ایجاد نمایند که به افزایش کیفیت، بهره‌وری، بهبود زیر ساخت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منجر شود. در برآورد مدل مورد بررسی به ازای یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جاری از کشورهای منتخب به ایران، شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب ۰/۰۰۰۸ کاهش می‌یابد.

با توجه به نتایج تخمین‌ها، متغیر رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) که بیانگر سرعت افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن سرعت بهبود یا کاهش سطح رفاه و برخورداری مردم است، در کشور میزبان (ایران) شکاف نهادی را کاهش و در کشورهای منتخب شکاف نهادی را افزایش داده است به طوری که در برآورد مدل مورد بررسی به ازای یک درصد افزایش در رشد اقتصادی ایران شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب ۰/۰۴۳ واحد کاهش و به ازای یک درصد افزایش در رشد اقتصادی کشورهای منتخب، شکاف نهادی ۰/۰۴۶ واحد افزایش یافته است.

طی دوره مورد مطالعه، متغیر جمعیت کشور میزبان تأثیر منفی بر شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب دارد. زیرا افزایش جمعیت در کنار فراهم بودن زیرساخت‌های مناسب، موجب ایجاد انگیزه از طریق نوآوری و تغییرات فناوری می‌باشد. در جوامعی که دارای نرخ رشد جمعیت بالاتر هستند، نرخ رشد سریع‌تری نیز در فناوری دارند. به عبارت دیگر اختراعات بیشتری در آن کشورها صورت می‌گیرد، زیرا سرمایه انسانی و نهادهای اجتماعی و اقتصادی ظرفیت بیشتری برای جذب نوآوری را دارا می‌باشند. جوامع با رشد جمعیت پایدار نسبت به جوامع کم جمعیت، شانس بیشتری برای توسعه اقتصادی حقیقی از طریق نوآوری‌های تکنولوژیکی دارند که این خود منجر به بهبودی نهادهای کشور خواهد شد. به طوری که در برآورد مدل مورد بررسی به ازای یک درصد افزایش در جمعیت ایران، شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب ۸/۲۷ واحد کاهش یافته است.

متغیر فاصله جغرافیایی بین ایران و کشورهای منتخب، موجب افزایش شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب گردیده است. چرا که هر چقدر فاصله کشور میزبان با سایر کشورها افزایش یابد به دلیل افزایش هزینه‌های ترویج دانش و نوآوری شکاف نهادی افزایش خواهد یافت. به طوری که در برآورد مدل مورد بررسی به ازای یک درصد افزایش در فاصله جغرافیایی بین ایران و کشورهای منتخب، شکاف نهادی بین ایران و کشورهای منتخب ۰/۲۴ افزایش یافته است.

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به بهبود نهادها می‌شود باید ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی تغییر داده شود تا بستر فرهنگی لازم جهت حمایت‌ها فراهم شود و باید در نظر داشت که پیچیدگی یا ایجاد محدودیت بیش از حد، اثر قانون‌های حمایتی از سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

برای کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای شرایط اقتصادی بی‌ثبات بوده و بازارهای مالی توسعه یافته‌ای ندارند، آزادسازی تدریجی ضرورت دارد. خصوصاً در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، برای آغاز آزادسازی بازارهای مالی، آزادسازی جریانات ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اولویت قرار دارد.

با توجه به تأثیر جمعیت بر بهبود شکاف نهادی میان ایران و کشورهای منتخب سیاست افزایش جمعیت می‌تواند منجر به بهبود وضعیت نهادهای کشور شود. اما باید دقت داشت رشد سریع و کنترل نشده و غیرقابل

مدیریت جمعیت در صورتی که دولت‌ها زیر ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لازم برای زندگی را فراهم نکنند عواقب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نامطلوبی به همراه خواهد داشت. هر انسانی که به جمعیت افزوده می‌شود به خودی خود یک منبع گرانبهای ثروت و سرچشمه نیروی تولید تازه است. اگر شالوده اجتماعی طوری باشد که استعداد و قدرت استفاده از چنین نیرویی را داشته باشد و در آن صورت ازدیاد نفوس نه تنها مشکلی برای جامعه به وجود نمی‌آورد بلکه خود عامل جدید در تسریع رشد و توسعه می‌شود. ولی اگر تشکیلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بر شالوده‌های نامناسب و پوسیده قرار گرفته باشد، پیامدهای نامطلوب این منبع می‌تواند عواقب نامطلوبی برای جامعه به همراه داشته باشد.

منابع

- آذر، عادل و مومنی، منصور. (۱۳۹۳). آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد اول، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ابزری، مهدی و تیموری، هادی. (۱۳۸۶). جریان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای توسعه نیافته، شماره ۱۷۹، مجله تدبیر، سال هجدهم.
- احمدیان، مریم. (۱۳۹۰). معرفی و نقد شاخص راهنمای بین المللی ریسک کشوری (ICRG)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
- اسدی، مرتضی. (۱۳۸۵). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و عوامل موثر بر آن، سازمان امور اقتصادی و دارائی استان تهران واحد مطالعات اقتصادی.
- اصغری، رضا، رضائی، عباسعلی و جانی، مهدی. (۱۳۹۵). تاثیر مولفه های نهادی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای منتخب اسلامی حوزه سند چشم انداز)، کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، روانشناسی، صص ۱-۳۲
- آقامحمدزاده. (۱۳۹۲). عوامل تعیین کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اقتصاد و مدیریت آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- حسینی، سید صفدر و مرتضی، مولایی. (۱۳۸۵). تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه‌ی پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۱، صص ۵۷-۸۰

حیدری، پروین و افشاری، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر شاخص های حکمرانی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۱۴۵-۱۴۶.

دلاور، علی. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور. شاه‌آبادی، ابوالفضل و محمودی، عبدالله. (۱۳۸۵). تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی ایران)، جستارهای اقتصادی، شماره ۵، صص ۱۸۹-۲۰۷.

شاه‌آبادی، ابوالفضل، ولی‌نیا، آرش و انصاری، زهرا. (۱۳۹۱). تأثیر سرریز فناوری ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد بخش صنعت، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۱۴. صوفی، عبدالله. (۱۳۹۴). سرمایه‌گذاری های مستقیم در ایران و اثرات سوء اقتصادی آن در کشور، پایگاه خبری نکات پرس.

علیزاده، محمد، بابایی، مجید، جعفری، محمد و خدایی، مهدی. (۱۳۹۳). اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای D8، فصلنامه‌ی سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۶، صص ۸۷-۱۰۴.

عیسی زاده، سعید و احمدزاده، اکبر. (۱۳۸۸). بررسی اثرعوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تاکید بر نهادهای حاکمیتی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰، صص ۱-۲۸.

گرای‌نژاد، غلامرضا، دقیقی اصل، علیرضا و رمضان، آذین السادات. (۱۳۹۳). تاثیر عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تاکید بر متغیر های ساختاری و نهادی، فصلنامه‌ی علوم اقتصادی، شماره ۲۹، صص ۱۳۱-۱۵۰.

لشکری، زهرا، امام وردی، قدرت اله و حمزه‌ای، الهام. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در تقویت بازار سرمایه کشورهای منتخب، فصلنامه‌ی علوم اقتصادی، شماره ۱۸، صص ۲۹-۵۲.

مهدوی عادل، محمدحسین. (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با کشورهای با درآمد متوسط، مجله‌ی دانش و توسعه، سال ۱۵ شماره ۱۰۶، صص ۲۴-۸۰.

نذیری، محمد و محمدی، تیمور. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش مدلسازی اقتصادی، فصلنامه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱-۲۴.

- Ali, F., Fiess, N., & Macdonald, R. (2011). Climbing to the top? Foreign Direct Investment and property rights. *Economic Inquiry*, vol. 49, pp. 289–30.
- Brendan. P. (2007). Democracy, Property Rights and FDI in Developing Countries A Regional Analysis, *Honor Paper Presented to Macalester College*, Economic Department. Minneapolisfed.org/mea/contest/2007papers/ierpont.pdf.
- Bonaglia, F., Braga de Macedo, J., & Bussolo, M. (2001). How Globalisation Improves Governance, OECD Development Centre Working Papers 181, OECD Development Centre.
- Demir, F. (2015). Effects of FDI Flows on Institutional Development: Does It Matter Where the Investors are from? *World Development* Vol. 78, pp. 341–359.
- Holmberg, Sören, Bo Rothstein & Nasiritousi, Naghmeh, (2008). Quality of Government: What You Get, *The Quality of Government Institute*, Department of Political Science, University of Gothenburg.
- Jongmoo, J, Sang M. L., Amir, S. (2016). The effects of institutional distance on FDI inflow: General environmental institutions (GEI) versus minority investor protection institutions (MIP), *International Business Review*, Vol. 25, pp.114–123
- Knack, S., & Keefer, P. (1995). Institutions and economic performance: Cross-country tests using alternative institutional measures. *Economic and Politics*, vol.7, pp.207–227.
- Kogut, B., & Singh, H. (1988). The effect of national culture on the choice of entry mode. *Journal of International Business Studies*, vol.19, pp. 411–432.
- Long, C, Yang, J & Zhang, J (2015). Institutional Impact of Foreign Direct Investment in China. *World Development*. Vol. 66, pp. 31–48
- Spar, D. (1999). Foreign investment and human rights. *Challenge*, vol, 42, pp.55-80
- Snowdon, B., & H. R. Vane. (2005). Modern macroeconomics: Its origins, development and current state. Cheltenham: Edward Elgar.